



امیدواری یا ناامیدی يك انتخاب است و پس!

محمد صادقی

خبرنگار

جامعه تزریق شود. البته امیدی که کاذب نباشد و ناامیدی بیشتری را در جامعه کشت نکند.

احتمالا در جواب این حرف بگویند نقش من و شما بسیار اندک است و اصل کار گردن مدیران است چون کار بزرگی از دست ما برنمی آید. حرف شما به شکل کلان درست است اما به نظرم من و شما باید تکلیف خودمان را مشخص کنیم. حقیقت آن است که تغییرات مثبت و پیشرفت نه در جامعه‌ای شبیه ایران و نه در هیچ جامعه دیگری یکشنبه اتفاق نمی افتد. حالا با این تصور، شما دوست دارید چه کار کنید؟ قرار است غصه بخورید و ناامیدانه زندگی کنید؟ قرار است مدام «آه» ناامیدانه بکشید و روزگار بگذرانید؟ البته ممکن است گزینه رها کردن کشور و مملکت خود را روی میز داشته باشید. به این فکر کنید که در آینده نزدیک یا چندسال آینده قرار است از ایران بروید و کشورتان را با همه ویژگی‌های مثبت و منفی اش تنها بگذارید. به هر حال این هم انتخابی است و به زندگی شخصی شرایط شما بستگی دارد، اما حقیقت این است که چنین انتخابی اصلا عمومی نیست و برای عده محدودی امکان پذیر است. پس تا اینجا دو انتخاب وجود داشت. مهاجرت و ناامیدی! همان طور که احتمالا تا الان حدسش را زدید، انتخاب سوم امیدواری است. شما می توانید به خودتان بقبولانید که امیدوار باشید تا بهبود اوضاع را در آینده شاهد باشید. اصلا فرض کنید انتخابی به اسم امیدواری وجود ندارد. حالا شما می توانید بررسی کنید بهتر است کشور و خانواده‌تان را رها کنید یا این که ناامیدانه سال‌های عمرتان را سر کنید. اگر اولی را انتخاب کردید که هیچ اما اگر سراغ دومی رفتید از خودتان پرسید دستاوردها چیست؟ به عنوان یک فرد ناامید زندگی بهتری دارید؟ حال‌تان خوش‌تر

است؟ قطعاً خیر. ناامیدی فقط باعث می شود حس و حال هیچ کاری را نداشته باشید، همه چیز را عبث ببینید و اعصاب‌تان همیشه خرد باشد. سیاهی همه ذهن و زندگی شما را پر می کند و علاوه بر خودتان، اطرافیان‌تان هم آزار می بینند. قطب دیگر این ماجرا امید به تغییر است. امیدواری باعث می شود انرژی داشته باشید، دست به کارهای بزرگ بزنید و هر کس از اطرافیان‌تان با شما حرف بزند حالش خوب شود. از طرفی این امیدواری می تواند باعث شود برای تغییرات تلاش کنید و اگر قرار است بهبود و پیشرفتی رقم بخورد آن را جلو بیاورید.

علاوه بر همه اینها شما با امیدواری جزئی از تغییراتی خواهید بود که به آن امید بسته‌اید. مطمئن باشید در میان این راه کلی نشانه و نکته وجود دارد که شما با دیدنش امیدوارتر می شوید و ثمره کارتان را می بینید. همین مسیر ساده اگر به شکل عمومی همراه شود و این وسط مدیران ارشد هم با اصلاحات مختلف همراه آن شوند و اتفاق بدی را بالا نیاورند می تواند موجب اتفاقات جذابی در کشور شود و دیگر کسی شاهد پاییز تلخی نباشد. شاید وقتی به تجربیات گذشته و مدیران فعلی نگاه می کنید به این نتیجه برسید که این حرف‌ها خوشبینانه هستند و نهایتا امیدی کاذب را می سازند. شاید حق با شما باشد، اما یادتان نرود که جایگزین‌هایتان چیست. اگر سنگر امید را از دست بدهید تنها دستاوردها سیاهی، بی انگیزگی و غمی است که قرار است شما و اطرافیان‌تان را آزار دهد. پس حتی اگر بی خیال تغییرات هستید یا برایتان اهمیتی ندارد باید سعی کنید امیدوار باشید تا بتوانید زندگی بهتری را در سال‌های آینده تجربه کنید. این مدل امیدواری شاید خودخواهانه باشد، اما در نهایت به نفع خودتان، جامعه و... است. پس امیدوار باشید.

پاییز سال ۹۸، سال اتفاقات زود هنگام است. از برف پاییزیش گرفته تا همین وارونگی هوا که زودتر از سال‌های قبل سراغمان آمد. در کنار این دو، ماجرای گرانی بنزین و حوادث بنزینی، برکناری سرمربی تیم ملی ایران، شیوع آنفلوآنزا و... را هم به لیست پاییز اضافه کنید تا متوجه شوید در حال به اتمام رساندن چه فصل پر حادثه و عجیبی هستیم. تک‌تک این رویدادها موارد ناراحت کننده و عجیبی هستند که هیچ کدام مان توقعش را نداشتیم. بعضی از همین موارد مثل ماجرای گرانی بنزین خود بستری برای اتفاقات دیگر هم بود. اتفاقاتی مانند اعتراض، آشوب و... در شهرهای مختلف، قطع اینترنت و جان باختن تعدادی از نیروهای امنیتی و مردم بی گناه، گرانی سایر اجناس و... همه اینها نشان می دهد پاییز امسال برای من، شما و در واقع همه مردم ایران فصل خوبی نبوده و اندک نقاط مثبتی در آن دیده می شود. وقتی هم که به طور کلان تر به ماجرا نگاه کنیم بعید نیست ناامیدی و یاس تمام وجودمان را فرا بگیرد. راستش اگر نگاهی به شبکه‌های اجتماعی بیندازید یا در تاکسی و مترو با افراد هم صحبت شوید متوجه می شوید این اتفاق افتاده است. البته این ناامیدی واکنشی هیجانی به رخدادها نیست تلخ‌ترین است و به همین خاطر خیلی نمی شود روی آن حساب کرد اما اگر طولانی شود و در دل‌ها لانه کند شرایط بسیار تلخ‌تر از وضعیت فعلی می شود. برای همین همه ما باید با وضع موجود مقابله کنیم. از منی که این مطلب را می نویسم و شمایی که خواننده هستید تا آن مدیر ارشد کشور باید سعی کند شرایط تغییر کرده و امید به